

اسلام قادیوارهای شهر «وین»

پیش می رود!

ساکنان این نواحی با آنکه اغلب مسیحی بودند و می بایست به حکومت مرکزی همکیش خود وفادار باشند، با کمال تعجب، هنگامیکه آوازه عدالت حکومت اسلامی را شنیدند و رفتار انسانی مسلمین را دیدند با آغوش باز از آن استقبال نموده به آن پناه بردند.

از باب «نمونه» فراهانی از کتاب نفیس «الدعوة الی الاسلام» نوشته مستشرق معروف «سرتوماس آرنولد» را که درباره «چگونگی انتشار اسلام در جهان» نگاشته است در اینجا ترجمه میکنیم.

مقارن ظهور اسلام، عوامل زیادی که مهمترین آنها فساد دستگاه حکومتی؛ نابسامانی اوضاع اجتماعی و بینشهای غلط مذهبی بود، دست به دست هم داده «امپراطوری روم» را آماده تجزیه و سقوط کرده بود.

مردم بسیاری از مناطق حکمرانی امپراطوری روم قبیل: شام، فلسطین، مصر... در اثر بد رفتاری مأمورین و نابسامانی اوضاع اجتماعی و اقتصادی و اختلافات مسلکی و عقیدتی منتظر فرصتی بودند که خود را از حوزه فرمانروایی حکومت مرکزی خارج سازند.

نامبرده در فصل سوم از همان کتاب ، زیر عنوان :
«علل گرایش مسیحیان حوزه امپراطوری به اسلام»
چنین مینویسد : «هنگامیکه روش مسالمت آمیز و
رفتار انسانی مسلمین صدر اسلام را نسبت به مسیحیان ،
می بینیم ، نادرستی این تهمت ناروا که «اسلام با
زور شمشیر پیشرفته است!» برای ما آشکار می گردد
و ناگزیر باید جهات دیگری غیر از این جهت که از
دشمنی و نفاق سرچشمه گرفته است ، جستجو
نمود ...

وضع آشفته جهان مسیحیت !

بسیاری از دانشمندان با انصاف مسیحی معتقدند
که: وضع آشفته کلیساهای شرق و سقوط اخلاقی و
معنوی آنها هنگام ظهور اسلام ، ایجاب می کرد که
بسیاری از مردم ، در صدد پیدا کردن جو روحی
سالمتر و صحیحتری باشند و گم شده خود را در
«اسلام» که به آنها عرضه شده بود بیابند و این جهت
از هر عاملی نیرومندتر در گرایش جامعه آنروز بسوی
اسلام بوده است .

از باب مثال «ملمان» می پرسد : «وضع جهان
مسیحیت در مناطقی که در ابتداء با اسلام درگیر شد
چگونه بود؟ در جواب چنین میگوید : «احزاب
مختلف مذهبی با یکدیگر دشمنی می کردند ،
از باب کلیسا بر سر پیچیده ترین مسائل اعتقادی
مربوط به عالم «ماوراء الطبیعه» باهم در جنگ و ستیز
بودند ، طوائف ارتدکس ، نسطوریه ، پیروان «او-
طیخوس» و یعقوبیه باهم در در نبرد بودند و دشمنی
و نزاع همواره در میان آنان سخت تر و ریشه دارتر

می شد .

مانمیخواهیم درباره زشتی اختلافات مذهبی شان
مبالغه کنیم اما حقیقت اینست که کار اختلافات آنان
به قدری بالا گرفته بود که بسیاری از آنها هر گساه
می شنیدند دشمنان هم مسلکشان گرفتار و اسیر دست
افراد خارج از مذهبشان شده اند فوق العاده خوشحال
می شدند و اینکار پیش آنها بهتر از این بود که درباره
اصل مشترکی تفاهم کنند و در راه مسیحیتی که آئین
همه آنها بوده دفع نمایند !

چسه بسیارند ، مردمی که ناگزیر این نوع

کشمکشهای مستمر ، پایه های اعتقادی ایشان راست
نموده و چقدر بعید است که چنین مردمی با آنکه
راهی بسوی نجات از این کشمکشها ندارند ، در
برابر آئین روشن و آشکاری چون آئین محمد (ص)
که مردم را به توحید و همزیستی مسالمت آمیز دعوت
می نماید قرار گیرند و بسوی آن گرایش پیدا
نکنند ؟ !!

«کیسانی» نیز نظیر این مطلب را در باره فلسفه
پیشرفت اسلام در حوزه فرمانروائی امپراطوری روم
می نویسد : «انتشار اسلام میان مسیحیان کلیسای
شرق ، نتیجه احساس آمیخته بانفرتی بود که از
سفسطه مذهبی که روح «مکتب یونانی» آنرا به
مسیحیت واقعی افزوده است حاصل شده بود .

شرقیها که معروفند افکار ساده و روشن را دوست دارند
هنگامیکه در برابر فرهنگ و طرز تفکر پیچیده
«مکتب یونانی» قرار گرفتند بسیار ناراحت شدند ؛
و برای آنها دشوار بود که فرهنگ «یونانی» را به
عنوان فرهنگ مذهبی و آسمانی بپذیرند ، زیرا فرهنگ

یونانی تعالیم ساده مسیح را تبدیل به عقیده پیچیده و مذاهب آمیخته به شکوک و شبهات نموده بود، و اینکار یک حالت نومیدی بلکه تزلزل عقیده دینی در افراد پدید آورده بود .

از اینرو هنگامیکه خبر وحی جدید از صحرای عربستان بگوش رسید و آئین اسلام به مردم عرضه شد دیگر مسیحیت شرقی آلوده نتوانست در برابر آن مقاومت کند زیرا عقائد و قوانین اسلام بقدری روشن بود که جای شبهه و تردید نداشت .

در این وقت شرقی ، مسیحیت را ترک کرد و به پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) گرایش پیدا کرد .

و به گفته این دودانشمند ، اضافه کنید ، گفته «گانون نایلور» ؛ او در این باره چنین مینویسد : «بسیار آسان است که درک کنیم : چرا اسلام با این سرعت در آفریقا و آسیا انتشار یافت ؟

ارباب کلیسا در آفریقا و شام آئین مسیحیت را تبدیل به یک عقیده متنافی یکی پیچیده ای نموده بودند آنها برای مبارزه با فسادیکه آن عصر در افرا گرفته بود ؛ تصمیم گرفتند تجرد را امری مقدس و آسمانی معرفی کنند و دوشیزگی را از صفات فرشتگان اعلام دارند و لذا گوشه گیری و رهبانیت امری مقدس شناخته شد و مردم به آن روی آوردند .

در آن عصر ؛ مردم در حقیقت مشرک بودند زیرا گروهی از شهداء و پاکان و ملائکه را عبادت می کردند .

طبقات بالا ، افراد آلوده ای بودند که فساد در میان آنها رواج داشت و طبقات متوسط نیز در اثر مالیاتهای سنگین ، رمقی بر تن نداشتند . و غلامان هم به کلی از زندگی ناامید بودند .

در این وقت اسلام آمد و بیاری خدا تمام این مفاسد و خرافات را از بین برد . اسلام انقلاب مقدسی بود بر ضد هر گونه عقائد پوچ و دلیل روشن و نیرومندی بود بر ضد رهبانیت و طرفداری از گوشه گیری .

اسلام ، اصول خود را بر اساس توحید و عظمت پروردگار استوار ساخت و خدا را رحیم و عادل معرفی نمود و مردم را دعوت کرد که از او فرمان ببرند و به او ایمان داشته باشند و کارهایشان را به او واگذار نمایند ، و نیز اعلام فرمود که هر کس در زندگسی دارای مسؤلیتی است و باید آنرا خوب انجام دهد و همچنین تعلیم داد که : زندگی بامرک پایان نمی پذیرد ، جهان دیگری نیز هست که اعمال مردم مورد محاسبه قرار می گیرد ، نیکان ثمرات نیکی و بدان کیفر زشت کرداریشان را خواهند دید ، نماز و زکوة و روزه و هر گونه کار نیک را واجب قرار داده و در تأمل اخلاق و هر گونه اعمالیکه سبب گمراهی مردم ، مخصوصاً در امور دینی بشود ، حرام کرده است ، بجای رهبانیت ، تلاش و فعالیت را ضروری شمرد و به غلامان امید و به جهان انسانیت برادری بخشید و به مردم درک حقائق اساسی که فطرت بشریت روی آن استوار است ، عنایت فرموده (۱)

«سرتوماس ارنولد» در باب چهارم از همان کتاب زیر عنوان «فتح مصر بدست عربها و خوش آمد گفتن قبطیان به آنها بخاطر آنکه آنان را از جنگ حکومت ظالمانه امپراطوری رم نجات می بخشیدند» چنین می نویسد : «ارتش اسلام در سال ۶۴۰ میلادی به فرماندهی «عمرو عاص» مصر را فتح کرد . پیروزی سریع آنان پیش از هر چیز ، بخاطر همکاری گرمی

(۱) - الدعوة الی الاسلام ص ۸۸-۹۰-۱۲۲

بود که مسیحیان آن منطقه با آنان نمودند . مردم این سامان از حکومت ظالمانهٔ امپراطوری رم به تنگ آمده ، و از دشمنیهای ارباب کلیسا ، خاطره های تلخی داشتند زیرا مسیحیان یعقوبی که اکثریت نصاری مصر را تشکیل می دادند از پیروان مذهب ارتدکس که وابسته به امپراطوری بودند ، رفتارهای ناپسند که آثار خشم و غضب آن هنوز هم در اعقاب آنان باقی است دیده و می خواستند با دگرگونی اوضاع و خارج شدن از حوزه امپراطوری رم از آن وضع رهایی یابند . (۱)

همین نویسنده در توضیح بیشتر این مطلب چنین ادامه می دهد : «مسیحیان مصر از دست همکیشان وابسته به امپراطوی رم امنیت و آسایش نداشتند گاهی به فرمان «ژستینیان» دو یست هزار نفر در شهر اسکندریه قتل عام شدند ، و زمانی دیگر پس از شکنجه های غیر انسانی به دربار ریخته شدند ، و برخی از آنها ناگزیر سر به بیابان نهاده و برخی دیگر ناچار عقائد خود را پنهان نگاه می داشتند و تظاهر به قبول قطعنامهٔ شورای خلق دونیه می کردند .

هنگامیکه اسلام ، مصر را فتح کرد به این مسیحیان شکنجه دیدهٔ «یعقوبی» زندگی تازه ای بر اساس آزادی مذهبی که هرگز رنگ آن را ندیده بودند ، ارزانی داشت و به آنها در انجام مراسم مذهبی در مقابل «جزیه» آزادی داد و بدینوسیله آنان را از زیر بار سنگین و کمر شکنی که در امپراطوری رم بر کرده آنها تحمیل شده بود = رهایی بخشید . اسلام دست روی اموال کلیسا نگذاشت و هیچگونه

اعمال غیر انسانی از قبیل : قتل و غارت مرتکب نشد و رفتار مسلمین از همان اوائل امر ، با مسیحیان آن منطقه عادلانه بود و هیچگونه شاهدهی دردست نیست که بر گشتن آنها از آئین قدیمشان (مسیحیت) و داخل شدن آنها در اسلام مربوط به سختگیری و فشار فرمانروایان جدیدشان (مسلمانان) باشد .

بلکه طبق مدارک زنده ای که دردست است ، بسیاری از «قبطیان» پیش از آنکه اسکندریه کاملاً فتح شود به اسلام گرائیده و بسیاری دیگر بعد از فتح ، در مدتی کوتاه به آنها ملحق شدند و شمشیر به روی همکیشان خود کشیدند» (۲)

آری مسلمانها قسمتی از قلمرو دولت رم شرقی را به سهولت به دست آوردند زیرا امپراطوری رم با اقوامی که زیر پرچم او بودند روابط خوبی نداشت ، اختلافات مذهبی و سنگین مالیاتها که بردوش مردم فشار می آورد ، آنها را از تسلط رم شرقی بیزار کرده بود بدینجهت وقتی سپاه اسلام به طرف آنها هجوم برد ، با مسرت از آن استقبال کردند تا از نفوذ جابرا نسزم شرقی و استبداد کلیسا رهایی یابند (۳)

و بالاخره همین جهات و جهات دیگری که بعداً توضیح خواهیم داد؛ سبب شد در سال ۱۴۵۳ میلادی به طور کلی امپراطوری رم شرقی سقوط کرد و پایتخت آن «قسطنطنیه» به دست سلطان محمد فاتح افتاد و از این پس «عثمانیها» برای مدت ۵۰۰ سال بر این منطقه حکمفرمایی کردند و اسلام را تا دیوارهای شهر «وین» هم رساندند (۴)

(۱) الدعوة الی الاسلام ص ۸۸ - ۹۰ - ۱۲۲

(۲) الدعوة الی الاسلام ص ۱۲۴

(۳) تاریخ سیاسی اسلام ج ۱ ص ۳۳۰ - تاریخ عرب ج ۱ ص ۱۸۴

(۴) نگاهی به تاریخ جهان ج ۱ ص ۲۱۲